

تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای درحال توسعه

محمدعلی مرادی^{۱*}، کمال سخدری^۲، شیما صنیعی^۳

۱. دانشیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

۲. استادیار دانشکده کارآفرینی، دانشگاه تهران

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد کارآفرینی، دانشگاه تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۲۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۴/۲۷

چکیده

توسعه کسب و کارهای بین‌المللی یکی از ابزارهای رشد و توسعه اقتصادی است. براین اساس، از یک سو کارآفرینان نوپا به بازارهای خارجی وارد می‌شوند که طبق نظریه نهادی، یکی از عوامل مؤثر بر بین‌المللی شدن کارآفرینان، عوامل نهادی است. از سوی دیگر، ضعف نهادها در یک کشور، با سازوکارهای سازمانی تا حدی قابل جبران است. با توجه به ضعف نهادها در کشورهای درحال توسعه، هدف اصلی این پژوهش سنجش تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در این کشورها با در نظر گرفتن تعامل بین محیط نهادی و راهبرد کارآفرینان است. روش تحقیق برحسب هدف، کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات، توصیفی-همبستگی است. به این منظور، از داده‌های ثانویه استفاده شد و داده‌های پژوهش مربوط به ۵۹ کشور درحال توسعه از گزارش‌های بین‌المللی - که براساس داده‌های پیمایشی، شاخص‌های اقتصادی و کارآفرینی کشورها را ارائه می‌کنند - استخراج و با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم‌افزار SmartPLS3 تحلیل شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد نهاد هدایتگر بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای درحال توسعه تأثیر مثبت دارد. همچنین، بررسی نقش تعدیلگری ریسک‌پذیری در رابطه بین عوامل نهادی و کارآفرینی بین‌المللی نشان می‌دهد در کشورهایی که ریسک‌پذیری بیشتر است، تأثیر نهادهای شناختی و قانونی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی به صورت منفی تعدیل می‌شود.

واژه‌های کلیدی: ریسک‌پذیری، عوامل نهادی، کارآفرینان نوپا، کارآفرینی بین‌المللی، کشورهای درحال توسعه.

مقدمه

توسعه کسب و کارهای بین‌المللی یکی از ابزارهای رشد و توسعه اقتصادی است. به علاوه، کسب و کارهای صادرات‌گرا بهتر از سایر کسب و کارها عمل می‌کنند (Gumede, 2004). در گذشته، فعالیت در بازارهای بین‌المللی مختص شرکت‌های بزرگ بود، اما اکنون کسب و کارهای کوچک و نوپا نیز در بازارهای بین‌المللی فعال‌اند (رضوانی و موسوی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۴)؛ بنابراین، توجه به عوامل مؤثر بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی اهمیت دارد. نهادها یکی از عوامل مؤثر بر کارآفرینی بین‌المللی هستند (Zahra & George, 2002; Peng et al., 2008). از این‌رو، در پژوهش حاضر سنجش اثر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی مدنظر قرار گرفته است. طبق داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی، در کشورهای در حال توسعه کمتر از ۱۳ درصد از کارآفرینان بین‌المللی می‌شوند، در حالی که این نسبت در کشورهای توسعه‌یافته بیش از ۲۰ درصد است (GEM, 2015). همچنین، پژوهش‌های کارآفرینی به‌طور گسترده بر کشورهای توسعه‌یافته متمرکز شده‌اند و کارآفرینی بین‌المللی همین روند را دنبال کرده است (Kiss et al., 2012). این در حالی است که شرایط سیاسی و اقتصادی و مناسبات نهادی و دسترسی به منابع مختلف در کشورهای در حال توسعه، زمینه‌ای متفاوت را برای مطالعه پدیده کارآفرینی بین‌المللی در این کشورها فراهم کرده است. در نتیجه، یکی از پیشنهادها برای تحقیقات آینده در مطالعات کارآفرینی، انجام دادن پژوهش‌های بین‌کشوری در کشورهای در حال توسعه است (Terjesen et al., 2013). در کشورهای در حال توسعه، بی‌اعتباری نهادی وجود دارد؛ یعنی نهادها به‌درستی عمل نمی‌کنند (Covin & Miller, 2014). اصلاح محیط نهادی، معمولاً امری پیچیده و زمان‌بر است؛ بنابراین، کارآفرینان باید برای فعالیت در محیط نهادی نامناسب آماده باشند. در این راستا، در تحقیق حاضر با توجه به تعامل بین نهادها و راهبرد بازیگران (Peng, 2003)، به ریسک‌پذیری به‌عنوان یکی از سازوکارهای سازمانی توجه شده است که کارآفرینان در شرایط نهادی نامناسب برمی‌گزینند. با توجه به توضیحات یادشده، هدف اصلی این پژوهش سنجش تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه با در نظر گرفتن نقش تعدیلگری ریسک‌پذیری است.

مروری بر مبانی نظری و پیشینه تحقیق کارآفرینی بین‌المللی

مک‌دوگال (۱۹۸۹) اولین تعریف از کارآفرینی بین‌المللی را ارائه داد (Keupp & Gassmann, 2009). او کارآفرینی بین‌المللی را این‌گونه تعریف کرد: «توسعه کسب‌وکارهای جدید یا استارت‌آپ‌هایی که از آغاز پیدایش خود در کسب‌وکار بین‌المللی مشارکت دارند و دامنه عملیاتی خود را از مراحل اولیه عملیات شرکت، بین‌المللی می‌بینند» (McDougall, 1989). این تعریف، کارآفرینی بین‌المللی را به کسب‌وکارهای مخاطره‌پذیر تازه‌تأسیس کوچک و جوان محدود می‌کند، اما هنوز در برخی از پژوهش‌های اخیر از این تعریف استفاده می‌شود (Keupp & Gassmann, 2009). زهرا (۱۹۹۳) دامنه کارآفرینی بین‌المللی را به کارآفرینی شرکتی گسترش داد (McDougall - Covin et al., 2014). تحت تأثیر این رویکرد، تعاریفی که از این پس ارائه شد، مستقل از اندازه و سن شرکت است (Zahra & George, 2002). سپس زهرا و جورج (۲۰۰۲) کشف و بهره‌برداری از فرصت را وارد ادبیات کارآفرینی بین‌المللی کردند (Zahra & George, 2002) که بعد از آن به‌عنوان عناصر اصلی این موضوع مورد توجه قرار گرفت (Peiris et al., 2012). در پژوهش حاضر، به‌دلیل توجه به کارآفرینان نوپا، به تعریف اولیه ارائه‌شده توسط مک‌دوگال (۱۹۸۹) توجه شده است.

نهاد

نهاد گاهی به سازمان‌ها، گاهی به قوانین پایه، گاهی به یک فرد یا یک موقعیت و حتی گاهی به موارد جزئی مثل یک قرارداد اطلاق شده است. تعاریف مختلف نهاد، برداشت‌های کم‌وبیش متفاوتی را از ماهیت واقعیت اجتماعی و نظم اجتماعی یادآور می‌شود (آراستی و همکاران، ۱۳۹۱). بولن (۱۹۰۴) نهادها را شامل عادات مرسوم فکری و کنش‌ها در محافل و گروه‌های اجتماعی می‌داند؛ بنابراین، به نهادهای غیررسمی توجه می‌کند. به اعتقاد کامونز (۱۹۲۴)، مفهوم نهاد از مقوله‌هایی مانند تشکل‌ها و مجتمع‌ها، قواعد حاکم و کنش جمعی نشئت می‌گیرد. براین اساس، او بر نهادهای رسمی تأکید دارد (متوسلی و همکاران، ۱۳۹۰). نورث (۱۹۹۰) نهادها را محدودیت‌های انسانی تعریف می‌کند که تعاملات اجتماعی، اقتصادی و سیاسی را ساختار

می‌دهند. از نگاه نورث (۱۹۹۰)، انسان‌ها نهادها را طراحی کرده‌اند تا در مبادلات نظم برقرار کنند و عدم اطمینان را کاهش دهند. این محدودیت‌ها تعیین‌کننده هزینه تولید و مبادله و در نتیجه راه‌اندازی کسب‌وکار و سودآوری و امکان‌پذیری فعالیت اقتصادی هستند (Veciana & Urbano, 2008).

اسکات (۱۹۹۵) نهادها را در سه دسته قانونی (قانون‌ها، مقررات و قواعد)، هنجاری (ابزارهای مشروع را برای پیگیری ارزش‌ها تعریف می‌کند) و شناختی (به باورهای مسلم فرض شده اشاره دارد) قرار می‌دهد (Scott, 1995) که انگیزه‌های لازم را برای هدایت یا ممانعت از رفتار اجتماعی مثل فعالیت کارآفرینانه در یک اقتصاد فراهم می‌کند (Stenholm et al., 2013). بعد قانونی محیط، مربوط به مقررات، سیاست‌ها، قواعد و قوانینی می‌شود که بر رفتار کارآفرینانه افراد مؤثرند. بعد هنجاری محیط شامل هنجارهای اجتماعی، ارزش‌ها و باورهایی است که به رفتار کارآفرینانه افراد در جامعه مربوط می‌شود. بعد شناختی محیط شامل چارچوب‌های شناختی و دانش اجتماعی است که افراد در یک جامعه به اشتراک می‌گذارند و از آن طریق، اطلاعات را انتخاب و تفسیر می‌کنند (کریمی، ۱۳۹۴; Scott, 1995; Veciana & Urbano, 2008). استنهم و همکاران (۲۰۱۳) بعد دیگری را به نام بعد هدایتگر^۱ محیط به سه بعد هنجاری، قانونی و شناختی اسکات (۱۹۹۵) اضافه کرده‌اند. بعد هدایتگر مجموعه‌ای از شرایط و صنایع بارورکننده شامل دسترسی به مشتریان و تأمین‌کنندگان و نزدیکی به دانشگاه‌های برتر است که بر نوع فرصت‌های مورد بهره‌برداری در یک سیستم تأثیر می‌گذارد و زمینه لازم را برای کارآفرینی مولد، نوآور و با پتانسیل رشد بالا فراهم می‌کند (Stenholm et al., 2013). براین اساس، در پژوهش حاضر به محیط نهادی در چهار بعد قانونی، هنجاری و شناختی و هدایتگر توجه شده است.

ارتباط میان عوامل نهادی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی

طبق نظریه نهادی، کارآفرینی بین‌المللی از عوامل نهادی تأثیر می‌پذیرد (Zahra & George, 2002; Peng et al., 2008). بعد قانونی محیط نهادی بر نرخ کارآفرینی مؤثر است (Stenholm et al., 2013)، زیرا قوانین بهتر به کاهش موانع ورود و فرصت‌های کسب‌وکار بیشتر منجر می‌شوند (El-Namaki, 1988). البته لزومی ندارد کارآفرین، کارآفرینی بین‌المللی را برگزیند، بلکه به احتمال زیاد

1. Conducive dimension

فعالیتی را انتخاب می‌کند که ریسک کمتری دارد یا آسان‌تر است (Stenholm et al., 2013). همچنین، در صورتی که شرایط قانونی برای راه‌اندازی کسب‌وکار مناسب باشد، ضرورتی ندارد شرایط کسب‌وکار برای کارآفرینی بین‌المللی نیز فراهم باشد. در نتیجه، به نظر می‌رسد بعد قانونی محیط نهادی تأثیری بر نرخ فعالیت‌های کارآفرینی بین‌المللی - که یکی از مصادیق فعالیت کارآفرینانه با پتانسیل رشد بالاست - ندارد، زیرا کارآفرینان با تمایل به رشد بالا، اهداف خود را بدون توجه به پیچیدگی‌های اداری بالقوه نیز دنبال می‌کنند و موانع قانونی بیشتر بر تصمیم اولیه آن‌ها برای راه‌اندازی کسب‌وکار تأثیر دارد تا بر نوع کسب‌وکاری که انتخاب می‌کنند (Stenholm et al., 2013; Bowen & De Clercq, 2008). در صورت حمایت بعد هنجاری محیط از فعالیت کارآفرینانه نیز لزومی به حمایت از کارآفرینی بین‌المللی وجود ندارد، زیرا ممکن است پذیرش اجتماعی در زمینه کارآفرینی تا حدی مثبت باشد که فعالیت کارآفرینی ثروتی محدود ایجاد کند و در مورد کارآفرینان بسیار موفق مصداق نداشته باشد (Stenholm et al., 2013)؛ به عبارت دیگر، ممکن است در کشوری که کارآفرینی یک رفتار اقتصادی خوب از نظر اجتماع محسوب می‌شود، دنبال کردن کارآفرینی با گرایش به رشد بالا - که یکی از مصادیق آن کارآفرینی بین‌المللی است - خوب تلقی نشود (Volchek et al., 2015). در مقابل، چارچوب‌های شناختی و دانش اجتماعی مشترک در یک جامعه بر کارآفرینی بین‌المللی مؤثر است. برخی از کارآفرینان، کارآفرینی بین‌المللی را کمکی مهم به موفقیت کشور و کاری درست، برخلاف ریسک‌ها و هزینه‌های آن می‌دانند؛ به عبارت دیگر، ارزش بین‌المللی شدن به عنوان یک کالای اجتماعی برای آن‌ها مشخص است (Yamakava et al., 2008). همچنین، پژوهش‌ها نشان داده‌اند کارآفرینی بین‌المللی که نوعی کارآفرینی رشد‌محور است، فقط از نهادهای قانونی، شناختی و هنجاری تأثیر نمی‌پذیرد، بلکه به محیطی نیاز دارد که منابع مالی، مهارت‌ها (Bowen & De Clercq, 2008) و نوآوری لازم را فراهم آورد؛ بنابراین، کارآفرینی بین‌المللی از نهاد هدایتگر نیز تأثیر می‌پذیرد (Stenholm et al., 2013).

نهاد و راهبرد کارآفرینان

عوامل نهادی با در نظر گرفتن اثر تعدیل‌کنندگی راهبرد شرکت، بر عملکرد کسب‌وکارهای جدید مخاطره‌پذیر اثر می‌گذارند (Hitt et al., 2001). بی‌اعتباری نهادی^۱ زمانی واقع می‌شود

که نهادهای یک جامعه به درستی عمل نکنند (Covin & Miller, 2014). زمانی که نهادها هنوز توسعه نیافته‌اند، یکی از سازوکارهای مورد استفاده کارآفرینان، تدبیر کارآفرینانه^۱ است، زیرا کارآفرینان نمی‌توانند به سادگی با شرکت‌های تثبیت شده رقابت کنند، بلکه مجبورند با در نظر گرفتن تدبیر و کاردانی رقابت کنند (Peng, 2003). ریسک‌پذیری یکی از مصداق‌های تدبیر کارآفرینانه است (Misra & Kumar, 2000). ریسک در کارآفرینی بین‌المللی از آن نظر اهمیت دارد که ژانگ و همکاران (۲۰۰۹) ریسک‌پذیری را یکی از ابعاد قابلیت کارآفرینانه بین‌المللی معرفی می‌کنند (Zhang et al., 2009).

پیشینه تجربی پژوهش

ولچک و همکاران (۲۰۱۵) به منظور بررسی تأثیر نهادها بر بین‌المللی شدن کارآفرینان در ۲۷ اقتصاد درحال ظهور، مدل استنهم و همکاران (۲۰۱۳) را در زمینه سنجش ابعاد نهادی محیط فعالیت کارآفرینی توسعه دادند و علاوه بر عوامل نهادی، محیط فرهنگی و عوامل صنعت محور را نیز به عنوان متغیرهای مستقل در مدل وارد کردند. نتایج تحلیل با استفاده از داده‌های ثانویه و مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان داد که با کنترل متغیر سرانه تولید ناخالص داخلی، بین محیط قانونی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی رابطه مثبت و بین محیط هنجاری با نرخ کارآفرینی بین‌المللی رابطه منفی وجود دارد (Volchek et al., 2015). ترچسن و هسلز (۲۰۰۹) تأثیر نهادها (روابط صنعتی، آموزش حرفه‌ای، روابط درون شرکتی، حاکمیت شرکتی و روابط کارگری) را بر بین‌المللی شدن کارآفرینان در کشورهای آسیایی بررسی کردند. براساس نتایج تحلیل رگرسیون، کشورهای که سهم بیشتری از فعالیت کارآفرینی بین‌المللی دارند، به داشتن روابط صنعتی انعطاف‌پذیر، آموزش حرفه‌ای با کیفیت و روابط کارگر-کارفرمای مقابله‌ای تمایل دارند (Terjesen & Hessles, 2009). استنهم و همکاران (۲۰۱۳) براساس رویکرد نهادی، یک مقیاس چندبعدی را برای محیط کارآفرینانه ارائه داده‌اند و با این مقیاس، اثر ترتیبات نهادی را بر نرخ کارآفرینی و نوع فعالیت کارآفرینانه شامل کارآفرینی بین‌المللی بررسی کرده‌اند. در مدل مفهومی این پژوهش، متغیرهای مستقل ابعاد قانونی، شناختی، هنجاری و هدایتگر محیط هستند. داده‌های ثانویه گردآوری شده

مربوط به ۶۳ کشور و نتایج تحلیل با استفاده از مدل‌سازی معادلات ساختاری نشان می‌دهد با کنترل متغیر سرانه GDP، بعد قانونی محیط بر نرخ کارآفرینی تأثیر مثبت و بعد هدایتگر محیط بر نوع کارآفرینی تأثیر مثبت دارد (Stenholm et al, 2013).

مرور زمینه کشورهای در حال توسعه

کشورهای در حال توسعه طی چند دهه اخیر در محافل علمی و مجامع سیاسی یکی از رایج‌ترین عناوین برای مشخص کردن گروهی از کشورها بوده‌اند که از نظر برخی از ویژگی‌ها متفاوت‌اند، اما در ساختار نظام جهانی سرنوشتی مشترک دارند. کشورهای جهان سوم با وجود مشابهت‌های فراوان و ویژگی‌های مشترک، تفاوت‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی زیادی با یکدیگر دارند و این ناشی از ویژگی‌های جغرافیایی، منابع مادی و انسانی، فرهنگی، آداب و سنن و ساختار سیاسی هر یک از این کشورهاست. با این حال، ویژگی‌هایی در این کشورها وجود دارد که در بیشتر آن‌ها مشترک است. وابستگی خارجی، دوگانگی اقتصادی، پایین بودن سطح درآمد سرانه و توزیع ناعادلانه درآمد، ضعف علمی و فناوریانه برخی از این ویژگی‌ها هستند (صداقت‌زادگان، ۱۳۹۲). براین اساس، کشورهای یادشده راهبردهایی را برای رسیدن به مقصد توسعه‌یافتگی در پیش گرفته‌اند؛ مانند جهت‌گیری صادراتی و ارتقای کارآفرینی و کسب‌وکارهای کوچک که در سال‌های اخیر به‌عنوان یک تجویز برای توسعه مورد توجه بوده است (Acs & Virgill, 2010). برخلاف نیاز کشورهای در حال توسعه به ارتقای کارآفرینی و کسب‌وکارهای صادرات‌گرا، نهادها برای فعالیت کارآفرینانه به‌ویژه کارآفرینی بین‌المللی در این دسته از کشورها، نسبت به کشورهای توسعه‌یافته، مناسب نیستند (GEM, 2015). داده‌های کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد (۲۰۱۶) نشان نیز می‌دهد میزان صادرات در کشورهای در حال توسعه در سال ۲۰۱۵ حدود ۹ میلیون دلار بوده است، در حالی که این شاخص در کشورهای توسعه‌یافته بیشتر از ۱۱/۵ میلیون دلار است، هرچند جمعیت کشورهای در حال توسعه بیش از ۶ برابر جمعیت کشورهای توسعه‌یافته است (UNCTAD, 2016).

چارچوب نظری

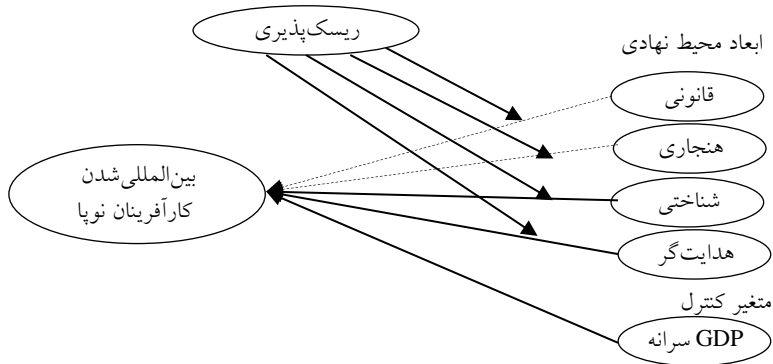
بر اساس ادبیات موجود، کارآفرینی بین‌المللی از عوامل نهادی تأثیر می‌پذیرد (Zahra & George,

کارآفرینی، چارچوبی است که استنهم و همکاران (۲۰۱۳) ارائه کرده‌اند. آن‌ها محیط نهادی را در چهار دسته نهادهای قانونی، هنجاری، شناختی و هدایتگر قرار می‌دهند (Stenholm et al., 2013). براین اساس، از این چهار بعد به‌عنوان متغیر مستقل برای سنجش محیط نهادی استفاده شده و متغیر نرخ کارآفرینی بین‌المللی متغیر وابسته در نظر گرفته شده است. همچنین متغیر ریسک‌پذیری، متغیرهای تعدیلگر در رابطه بین عوامل نهادی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی در نظر گرفته شده است، زیرا زمانی که نهادها توسعه نیافته باشند، ریسک‌پذیری یکی از سازوکارهای مورد استفاده کارآفرینان محسوب می‌شود (Peng, 2003; Misra & Kumar, 2000). مدل مفهومی تحقیق در شکل ۱ ارائه می‌شود. طبق مدل مفهومی پژوهش، فرضیه‌های تحقیق به این شرح است:

۱. عوامل قانونی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر ندارد.
۲. عوامل هنجاری بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر ندارد.
۳. عوامل شناختی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر دارد.
۴. عوامل هدایتگر بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر دارد.
۵. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد قانونی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به‌صورت منفی تعدیل می‌کند.
۶. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد هنجاری و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به‌صورت منفی تعدیل می‌کند.
۷. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد شناختی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به‌صورت منفی تعدیل می‌کند.
۸. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد هدایتگر و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به‌صورت منفی تعدیل می‌کند.

روش تحقیق

این پژوهش برحسب هدف، کاربردی و برحسب گردآوری اطلاعات، از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه مورد نظر کشورهای در حال توسعه است. صندوق بین‌المللی پول براساس سطح درآمد بالا، ساختار اقتصادی متنوع و نهادهای مالی توسعه‌یافته، کشورها را به دو دسته



شکل ۱. چارچوب مفهومی پژوهش

توسعه‌یافته و در حال توسعه تقسیم می‌کند (Nielsen, 2013)، اما این معیارها را به صورت مطلق، ملاک قرار نمی‌دهد. این صندوق، در سال ۲۰۱۵، ۳۷ کشور را توسعه‌یافته در نظر گرفته و بقیه کشورهای را در دسته کشورهای در حال توسعه قرار داده است (IMF, 2015) که در این پژوهش جامعه در نظر گرفته می‌شود. در نتیجه، کشورهای نمونه پژوهش^۱ کشورهایی هستند که در برنامه دیده‌بان جهانی کارآفرینی مشارکت داشته‌اند و از نظر صندوق بین‌المللی پول (IMF) در سال ۲۰۱۵، در دسته کشورهای در حال توسعه قرار گرفته‌اند. کشورهای نمونه تحقیق در قاره‌های آسیا (۳۲ درصد)، آفریقا (۳۱ درصد)، آمریکای جنوبی و شمالی (۳۴ درصد) و اقیانوسیه (۳ درصد) قرار دارند. به منظور جمع‌آوری داده‌ها، گزارش‌های مربوط به سال‌های ۲۰۱۳، ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ حاوی متغیرهای تحقیق، از وب‌گاه‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی، بنیاد هریتیج^۲، بانک جهانی و شاخص رقابت‌پذیری جهانی طبق جدول ۱ بارگیری شد. اساس محاسبه این متغیرها در گزارش‌ها، داده‌های پیمایشی است که از طریق شبکه‌ای از شرکای محلی مستقر در کشورهای مختلف جمع‌آوری می‌شود. منبع داده‌های پژوهش در جدول ۱ ارائه می‌شود.

۱. بنگلادش، چین، هند، اندونزی، ایران، اردن، لبنان، مالزی، پاکستان، فلسطین، فیلیپین، قطر، عربستان سعودی، سوریه، تایلند، ترکیه، امارات متحده عربی، ویتنام، یمن، الجزیره، آنگولا، بوتسوانا، بورکینافاسو، کامرون، مصر، اتیوپی، غنا، لیبی، مالاوی، موروکو، نامیبیا، نیجریه، سنگال، آفریقای جنوبی، تونس، اوگاندا، زامبیا، باربادوس، بلیزه، کاستاریکا، دومینیکا، السالوادور، گواتمالا، جامائیکا، مکزیک، پاناما، ترینیداد و توباگو، آرژانتین، بولیوی، برزیل، شیلی، کلمبیا، اکوادور، پرو، سوریه نامی، اوروگوئه، ونزوئلا، تونگا، وانواتو.

2. The Heritage Foundation منظور استخراج گزارش مربوط به شاخص آزادی اقتصادی به

جدول ۱. منبع داده‌های پژوهش و شاخص‌های توصیفی متغیرها

بعد	متغیر	پایگاه داده	میانگین	انحراف معیار
متغیر وابسته	بین‌المللی شدن کارآفرینان نوپا	دیدهبان جهانی کارآفرینی ^۱	۰/۲۲	۰/۲۱
نهاد قانونی	آزادی کسب و کار حقوق مالکیت	شاخص آزادی اقتصادی ^۲	۰/۴۲	۰/۲۲
	سهولت راه‌اندازی کسب و کار سهولت خاتمه کسب و کار	بانک جهانی ^۳	۰/۶۴	۰/۲۱
			۰/۵۰	۰/۲۷
نهاد شناختی	درک فرصت شناختن یک کارآفرین مهارت‌ها	دیدهبان جهانی کارآفرینی	۰/۵۵	۰/۱۹
			۰/۴۴	۰/۲۲
			۰/۶۰	۰/۲۲
نهاد هنجاری	شان کارآفرین توجه رسانه		۰/۵۴	۰/۲۲
			۰/۵۲	۰/۲۲
نهاد هدایتگر	قوانین ICT همکاری دانشگاه-صنعت دسترسی به VC دسترسی به آخرین فناوری	شاخص رقابت‌پذیری جهانی ^۴	۰/۴۷	۰/۲۱
			۰/۴۶	۰/۲۱
			۰/۲۹	۰/۲۴
			۰/۴۴	۰/۲۳
متغیر تعدیلگر	ریسک‌پذیری	دیدهبان جهانی کارآفرینی	۰/۶۹	۰/۲۰

متغیرهای موردنظر برای کشورهای نمونه تحقیق، از این گزارش‌ها استخراج و در اکسل ثبت و به نرم‌افزار SmartPLS3 منتقل شد.

نرخ کارآفرینی بین‌المللی در هر کشور (متغیر وابسته)، با میانگین نسبت مشتریان کارآفرینان نوپا که در خارج از کشور زندگی می‌کنند، سنجیده می‌شود (GEM, 2015). به‌منظور سنجش محیط نهادی (متغیرهای مستقل) از ابزار ارائه‌شده توسط استنهم و همکاران (۲۰۱۳) استفاده می‌شود. بعد قانونی محیط نهادی از طریق چهار شاخص سنجیده می‌شود. مقیاس آزادی کسب و کار، شاخصی کلی از کارآمدی قوانین دولت در حوزه کسب و کار است. این شاخص از میانگین امتیازهای مربوط به تعداد رویه، زمان، هزینه و حداقل سرمایه برای راه‌اندازی کسب و کار، تعداد رویه، زمان و هزینه برای دریافت مجوز و زمان، هزینه و نرخ برگشت برای خاتمه کسب و کار

1. Global Entrepreneurship Monitor
2. Index of Economic Freedom
3. World Bank's Ease of Doing Business Index
4. Global Competitiveness Index

محاسبه می‌شود. از مقیاس حقوق مالکیت برای ارزیابی توانایی افراد به منظور جمع کردن اموال خصوصی استفاده می‌شود. دو مقیاس سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار و سهولت خاتمه یک کسب‌وکار از شاخص سهولت کسب‌وکار نیز به دلیل تأکید بر اهمیت این دو شاخص در سنجش بعد قانونی استفاده می‌شوند (Stenholm et al., 2013). برای سنجش بعد هنجاری محیط نهادی از دو شاخص درصد جمعیت بالغ بین ۱۶ تا ۶۴ سال که معتقدند در کشورشان کارآفرینان موفق شأن بالایی دارند و از درصد جمعیت بالغ بین ۱۶ تا ۶۴ سال که معتقدند در رسانه‌های عمومی کشورشان اغلب داستان‌هایی در مورد کارآفرینان موفق می‌بینند، استفاده می‌شود (Stenholm et al., 2013). برای سنجش بعد شناختی محیط نهادی از سه شاخص درصد جمعیت بالغ بین ۱۶ تا ۶۴ سال که در منطقه زندگی خود فرصت‌های کسب‌وکار خوبی می‌بینند، درصد جمعیت بالغ بین ۱۶ تا ۶۴ سال که باور دارند مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای راه‌اندازی یک کسب‌وکار را دارند و درصد جمعیت بالغ بین ۱۶ تا ۶۴ سال که کسی را می‌شناسند طی دو سال گذشته کسب‌وکاری را راه‌اندازی کرده باشد، استفاده می‌شود (Stenholm et al., 2013). به منظور سنجش بعد هدایتگر از شاخص‌های متغیر قوانین ارتباطات و فناوری اطلاعات، همکاری دانشگاه-صنعت، دسترسی به سرمایه‌گذاری خطرپذیر و دسترسی به آخرین فناوری استفاده می‌شود (Stenholm et al., 2013). متغیر ریسک‌پذیری نیز براساس درصد افراد بین ۱۶ تا ۶۴ سال در هر کشور که ترس از شکست، مانع آن‌ها از راه‌اندازی کسب‌وکار جدید نمی‌شود، سنجیده می‌شود (Acs et al., 2016).

بیشتر داده‌ها مربوط به سال ۲۰۱۵ است، ولی در شرایطی که آخرین داده موجود مربوط به متغیر وابسته نرخ کارآفرینی بین‌المللی برای یک کشور، به سال دیگری به غیر از ۲۰۱۵ مربوط بوده است، سایر داده‌های پژوهش برای آن کشور نیز از همان سال گردآوری شده است^۱. به این ترتیب، داده‌های مربوط به ۲۸ کشور مربوط به سال ۲۰۱۵، برای ۱۰ کشور مربوط به سال ۲۰۱۴ و برای ۲۱ کشور مربوط به سال ۲۰۱۳ است.

همچنین، مدل اندازه‌گیری مورد استفاده استنهم و همکاران (۲۰۱۳) توسعه یافته است. پایایی و روایی همگرای ابزار اندازه‌گیری نیز در جدول ۲ مشاهده می‌شود.

۱. مطابق روش گردآوری داده‌ها در پژوهش استنهم و همکاران (۲۰۱۳)

جدول ۲. پایایی و روایی ابزار اندازه‌گیری

سازه	متغیر	پایایی			روایی همگرا
		AVE > ۰/۵	CR > ۰/۷	الفای کرونباخ > ۰/۷	
قانونی	آزادی کسب‌وکار	۰/۸۳			
	حقوق مالکیت	۰/۶۰	۰/۸۴	۰/۷۲	۰/۶۴
	سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار	۰/۷۱			
	سهولت خاتمه کسب‌وکار	-۰/۰۲	حذف متغیر		
شناختی	درک فرصت	۰/۸۸			
	شناختن یک کارآفرین	۰/۸۹	۰/۸۸	۰/۸۱	۰/۷۱
	مهارت‌ها	۰/۷۴			
هنجاری	شان کارآفرین	۰/۸۵	۱/۰۰		
	توجه رسانه	-۰/۳۱	حذف		
هدایتگر	قوانین ICT	۰/۹۲			
	همکاری دانشگاه-صنعت	۰/۸۵	۰/۹۳	۰/۹۱	۰/۷۸
	دسترسی به VC	۰/۸۲			
	دسترسی به آخرین فناوری	۰/۹۳			

با توجه به نتایج تحلیل پایایی، شاخص‌های سهولت خاتمه کسب‌وکار و توجه رسانه، به ترتیب دارای بار عاملی ۰/۰۲- و ۰/۳۱- هستند؛ بنابراین، از مدل اندازه‌گیری حذف می‌شوند. نتایج آزمون‌های روایی واگرا نیز در جدول ۳ ارائه می‌شود. همچنین، با توجه به اینکه شاخص‌های مدل اندازه‌گیری برای هر یک از سازه‌ها مفهومی جداگانه‌اند و با یکدیگر هم‌پوشانی ندارند، مدل اندازه‌گیری از نوع سازنده است. در نتیجه، همخطی بین شاخص‌ها نیز بررسی می‌شود که اگر معیار فاکتور افزایش نرخ واریانس برای یک شاخص برابر یا بیشتر از ۵ بود، آن شاخص از مدل اندازه‌گیری حذف شود (Duarte & Raposo, 2010).

همان‌گونه که در جدول ۳ مشخص است، مقدار همبستگی میان شاخص‌ها با سازه‌های مربوط به خود از همبستگی میان آن‌ها و سایر سازه‌ها بیشتر است. همچنین، طبق آزمون فورنل و لارکر، قطر اصلی ماتریس بیشتر از اعداد زیرین خود است که نشان‌دهنده روایی واگرای مناسب مدل اندازه‌گیری است. به علاوه، فاکتور افزایش نرخ واریانس شاخص قوانین ICT بیشتر از ۵ است؛ بنابراین، این شاخص از مدل اندازه‌گیری حذف می‌شود.

جدول ۳. روایی واگرا و همخطی بین شاخص‌ها

شاخص	سازه		بارهای عاملی متقابل		آزمون فورنل و لارکر	
	قانونی شناختی هنجاری هدایتگر		قانونی شناختی هنجاری هدایتگر		VIF < ۵	
آزادی کسب‌وکار	۰/۸۸۷	۰/۳۳۰	-۰/۰۰۴	-۰/۴۹۷		۱/۷۳۴
سهولت راه‌اندازی کسب‌وکار	۰/۷۷۹	۰/۳۰۰	-۰/۲۳۳	-۰/۴۹۱	۰/۸۰۳	۱/۷۲۱
حقوق مالکیت	۰/۷۳۴	۰/۱۳۷	-۰/۲۱۷	-۰/۵۸۶		۱/۲۲۰
درک فرصت	-۰/۲۱۳	۰/۸۸۴	۰/۲۳۴	-۰/۲۱۹		۱/۹۳۷
شناختن یک کارآفرین	-۰/۳۴۰	۰/۸۹۴	۰/۰۴۴	-۰/۳۱۷	۰/۸۴۱	۱/۷۵۰
مهارت‌ها	-۰/۲۴۱	۰/۷۳۶	۰/۱۴۸	-۰/۱۹۷		۱/۶۲۳
شان کارآفرین	-۰/۱۵۵	۰/۱۵۷	۱/۰۰۰	-۰/۱۵۵	۰/۱۵۷	۱/۰۰۰
قوانین ICT	۰/۶۱۱	۰/۲۵۷	-۰/۱۴۵	-۰/۹۲۲		۷/۲۲۹
همکاری دانشگاه-صنعت	۰/۴۳۰	۰/۲۲۹	-۰/۲۷۴	-۰/۸۵۴	۰/۶۴۶	۴/۷۳۱
دسترسی به VC	۰/۴۰۵	۰/۲۵۶	-۰/۱۱۴	-۰/۸۲۲		۲/۴۱۵
دسترسی به آخرین فناوری	۰/۶۸۶	۰/۱۹۳	-۰/۰۶۵	-۰/۹۲۷		۲/۴۱۱

از مدل معادلات ساختاری با رویکرد PLS برای محاسبه ضرایب مسیر و ارائه مدل نهایی و آزمون فرضیه‌ها استفاده می‌شود، زیرا این رویکرد برای اندازه نمونه، توزیع داده‌ها و مدل‌های اندازه‌گیری برتری دارد (Vinzi, Trinchera & Amato, 2010).

یافته‌ها

شاخص‌های توصیفی متغیرهای تحقیق در جدول ۱ ارائه شده است. همه متغیرها نرمال شده‌اند؛ بنابراین، بین صفر و یک قرار دارند.

ارزیابی مدل ساختاری: ضریب استاندارد مسیر و ضرایب معناداری در مدل ساختاری اولیه محاسبه شد. معیار R^2 برابر ۰/۴۱۶ و Q^2 (شاخص قدرت پیش‌بینی مدل) ۰/۰۹۰ است. در نتیجه، قدرت پیش‌بینی مدل اولیه کمتر از متوسط است. برای اصلاح مدل، ابتدا اندازه تأثیر (f^2) متغیرهای تعدیلگر محاسبه و متغیرهای تعدیلگر با اندازه تأثیر پایین‌تر تا جایی حذف شد که قدرت پیش‌بینی مدل حداقل تا حد متوسط افزایش یابد. به این ترتیب، با حذف دو متغیر تعدیلگر از مدل اولیه Q^2 برابر با ۰/۱۶۲ شد که نشان‌دهنده قدرت پیش‌بینی متوسط مدل است. ضرایب استاندارد مسیر و ضرایب معناداری مدل نهایی در شکل ۲ نشان داده می‌شود.

معیار GoF پس از برازش بخش اندازه گیری و بخش ساختاری مدل کلی پژوهش، برازش بخش کلی را کنترل می کند (Tenenhaus, Amato & Vinzi, 2004). نتیجه محاسبه این شاخص به شرح جدول ۴ است. سه مقدار ۰/۰۱، ۰/۲۵ و ۰/۳۶ به ترتیب مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای GoF معرفی شده اند (Akter et al., 2011).

جدول ۴. محاسبه شاخص تجمعی سازه ها

متغیر	شاخص تجمعی	متغیر	شاخص تجمعی
نرخ کارآفرینی بین المللی	۱/۰۰۰	ریسک پذیری	۱/۰۰۰
شناختی	۰/۵۵	شناختی*ریسک پذیری	۱/۰۰۰
هنجاری	۱/۰۰۰	قانونی*ریسک پذیری	۱/۰۰۰
قانونی	۰/۴۹	GDP per capita	۱/۰۰۰
هدایتگر	۰/۲۴	میانگین	۰/۸۱

$$GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times R^2} \quad GOF = ۰/۵۷$$

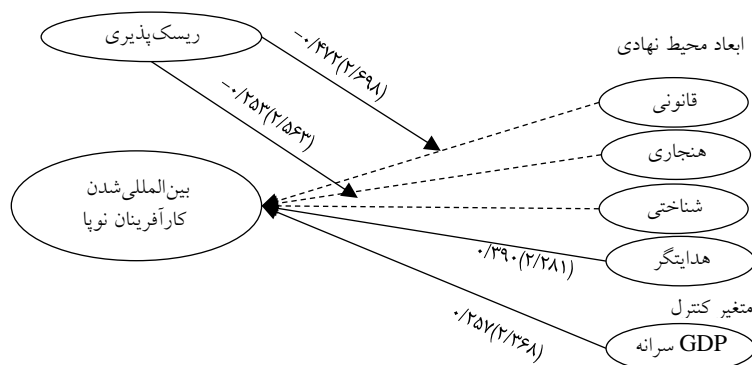
بنابراین، برازش کلی مدل، قوی ارزیابی می شود.

آزمون فرضیه ها: نتایج آزمون فرضیه ها در جدول ۵ ارائه می شود.

همان طور که در جدول ۵ مشخص است، در فرضیه های ۱، ۲ و ۳ تأثیر ابعاد قانونی، هنجاری و شناختی بر نرخ کارآفرینی بین المللی در سطح اطمینان ۹۵ درصد معنادار نیست؛ بنابراین، فرضیه های ۱ و ۲ تأیید و فرضیه ۳ رد می شود. در مقابل، فرضیه ۴ تأیید می شود و بعد هدایتگر محیط نهادی، به میزان ۱۵/۲ درصد از تغییرات نرخ کارآفرینی بین المللی را تبیین می کند. در زمینه فرضیه های مربوط به نقش تعدیلگری متغیر ریسک پذیری با توجه به ضرایب معناداری، فرضیه های ۵ و ۷ تأیید می شود؛ بنابراین، افزایش متغیر ریسک پذیری به اندازه یک انحراف معیار از میانگین خود، به کاهش ضریب مربوط به رابطه بین بعد قانونی و نرخ کارآفرینی بین المللی به میزان ۰/۴۷۲- و کاهش ضریب مسیر مربوط به رابطه بین بعد شناختی و نرخ کارآفرینی بین المللی به میزان ۰/۲۵۳- منجر می شود. مدل نهایی در شکل ۲ ارائه می شود.

جدول ۵. نتیجه آزمون فرضیه‌ها

تاریخ	ضریب مسیر	t-value	فرضیه
تأیید	۰/۳۰۶	۰/۳۵	۱. عوامل قانونی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر ندارد.
تأیید	۱/۱۲۸	۰/۱۳۱	۲. عوامل هنجاری بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر ندارد.
رد	۰/۸۹۴	۰/۱۱۰	۳. عوامل شناختی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر دارد.
تأیید	۲/۲۸۱	۰/۳۹۰	۴. عوامل هدایتگر بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر دارد.
تأیید	۲/۶۹۸	۰/۴۷۲	۵. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد قانونی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به صورت منفی تعدیل می‌کند.
رد	۰/۶۹۱	۰/۱۰۵	۶. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد هنجاری و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به صورت منفی تعدیل می‌کند.
تأیید	۲/۵۶۳	۰/۲۵۳	۷. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد شناختی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به صورت منفی تعدیل می‌کند.
رد	۰/۷۳۴	۰/۱۰۹	۸. ریسک‌پذیری رابطه بین نهاد هدایتگر و نرخ کارآفرینی بین‌المللی را در کشورهای در حال توسعه به صورت منفی تعدیل می‌کند.



$$R^2=0.397$$

شکل ۲. ضرایب استاندارد مسیر و ضرایب معناداری مدل نهایی

بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی این پژوهش، سنجش تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه با در نظر گرفتن نقش تعدیلگری ریسک‌پذیری است. در چهار فرضیه اول، تأثیر هر یک از ابعاد محیط نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی سنجیده شده است. همچنین، نقش تعدیلگری متغیر ریسک‌پذیری در رابطه بین هر یک از ابعاد محیط نهادی و نرخ کارآفرینی بین‌المللی در چهار

فرضیه نخست آزمون شده است. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد از بین چهار بعد محیط نهادی، فقط نهاد هدایتگر بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه تأثیر مثبت دارد که مطابق با نتیجه پژوهش استنهم و همکاران (۲۰۱۳) است. در پژوهش مذکور نیز فقط تأثیر نهاد هدایتگر بر نوع کارآفرینی مثبت و معنادار است (Stenholm et al., 2013). این تطابق در حالی است که جامعه آماری استنهم و همکاران (۲۰۱۳) کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه است و متغیر وابسته نوع کارآفرینی است که علاوه بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی، نرخ کارآفرینی با رشد بالا و نوآوری محور را نیز می‌سنجد. نتیجه یادشده با مطالعه باون و دی کلرک (۲۰۰۸) نیز همخوانی دارد که سرمایه مالی و انسانی را که با شاخص‌های بعد هدایتگر محیط نهادی مرتبط هستند بر نرخ کارآفرینی رشد محور مؤثر می‌داند (Bowen & De Clercq, 2008). همچنین، تأثیر ابعاد قانونی و هنجاری محیط بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی معنادار نیست. این نتیجه مطابق با پژوهش باون و دی کلرک (۲۰۰۸) است که در آن چارچوب قانونی کشور با تخصیص فعالیت‌های کارآفرینی به فعالیت‌های رشد محور (مانند کارآفرینی بین‌المللی) رابطه معناداری ندارد (Bowen & De Clercq, 2008). استنهم و همکاران (۲۰۱۳) استدلال می‌کنند که تأثیر نداشتن بعد قانونی و هنجاری بر نوع کارآفرینی به دلیل حساسیت شاخص‌های این ابعاد به نرخ کارآفرینی و نه کارآفرینی بین‌المللی است؛ به عبارت دیگر، با بهبود شرایط قانونی و هنجاری، به احتمال زیاد کارآفرینان فعالیت را انتخاب می‌کنند که ریسک کمتری داشته باشد (Stenholm et al., 2013). عدم تأیید تأثیر بعد شناختی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی را نیز می‌توان ناشی از نحوه سنجش این بعد از محیط دانست که یکی از شاخص‌های آن شناخت فرصت‌ها در محیط زندگی کارآفرین است که ممکن است تأثیر معکوس بر کارآفرینی بین‌المللی داشته باشد. در مدل مفهومی پژوهش حاضر، علاوه بر سنجش تأثیر مستقیم نهادها بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی، راهبرد ریسک‌پذیری نیز تعدیل‌کننده تأثیر نهادها بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی محسوب شده است که این مسئله در پژوهش‌های قبلی در نظر گرفته نشده است. نتایج آزمون فرضیه‌های مربوط به نقش متغیر تعدیلگر ریسک‌پذیری در زمینه تأثیر عوامل نهادی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی نشان می‌دهد با افزایش سطح ریسک‌پذیری، تأثیر نهادهای شناختی و قانونی بر نرخ کارآفرینی بین‌المللی، به‌طور معناداری کاهش می‌یابد. این نتیجه مطابق با نظریه پنگ (۲۰۰۳) است که تدبیر و استفاده از قابلیت‌های نامشهود را برای کارآفرینان در شرایط نهادی نامناسب مؤثر می‌داند (Peng, 2003)؛ به بیان دیگر، ضعف نهادهای شناختی و قانونی در یک

کشور برای فعالیت کارآفرینانه در بازارهای خارجی، توسط این سازوکار کارآفرینانه، قابل جبران است، زیرا، زمانی که نهادها به درستی عمل نمی‌کنند، ریسک فعالیت‌های کارآفرینانه بالاست (Peng, 2008)؛ بنابراین، ریسک‌پذیری بالا نتیجه‌بخش است. به همین دلیل، هرچه محیط خشن‌تر و پیچیده‌تر باشد، ریسک‌پذیری در بین کارآفرینان موفق بیشتر است (Peng, 2001).

پیشنهادها

با توجه به یافته‌های پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود:

۱. به منظور تقویت نرخ کارآفرینی بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه، باید بهبود بعد هدایتگر محیط نهادی در اولویت قرار گیرد. ایران در این بعد از محیط در رتبه ۴۳ در بین ۵۳ کشور قرار دارد؛ بنابراین، توجه به شاخص‌های آن در کشور، شامل دسترسی کارآفرینان به سرمایه‌گذاری خطرپذیر، همکاری دانشگاه و صنعت، دسترسی به آخرین فناوری و قوانین مربوط به فناوری اطلاعات و ارتباطات ضرورت دارد.
۲. افزایش ریسک‌پذیری موجب می‌شود کارآفرینان در محیط نهادی نامناسب برای فعالیت کارآفرینانه، بازارهای خارجی را مدنظر قرار دهند؛ بنابراین، به منظور تقویت نرخ کارآفرینی بین‌المللی، با توجه به زمان‌بر بودن و پرهزینه بودن اصلاح محیط نهادی، پیشنهاد می‌شود قابلیت ریسک‌پذیری کارآفرینان بر اساس مدل‌های موجود تقویت شود. این نکته از آن نظر اهمیت دارد که طبق داده‌های دیده‌بان جهانی کارآفرینی در سال ۲۰۱۶، ایران در شاخص ریسک‌پذیری در رتبه ۵۳ بین ۶۴ کشور قرار دارد که نشان‌دهنده ریسک‌پذیری تقریباً پایین در کشور است.
۳. جامعه آماری این پژوهش کشورهای در حال توسعه است، اما کشورهای در حال توسعه از نظر ساختار اقتصادی، اجتماعی و سیاسی با یکدیگر متفاوت‌اند؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود مدل مفهومی این پژوهش در گروه‌های همگنی از کشورها، مثل اقتصادهای منبع‌محور و کارایی‌محور تکرار شود.
۴. از آنجا که تأثیر سازه شناختی در پژوهش حاضر و پژوهش‌های مشابه (Stenholm et al., 2013; Volchek et al., 2015) بر نرخ و نوع فعالیت کارآفرینانه معنی‌دار نبوده است، به نظر می‌رسد شاخص‌های اندازه‌گیری این متغیر، مفهوم نهاد شناختی را به‌طور مناسبی منعکس نمی‌کند. در نتیجه، پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی، ابزارهای اندازه‌گیری بهتری برای این مفهوم ارائه شود.

منابع

- آراستی، زهرا، ملکی کرم‌آباد، محمدمهدی و محمود متوسلی (۱۳۹۱)، «عوامل نهادی تأثیرگذار بر پیدایش فعالیت‌های کارآفرینانه اجتماعی»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره پنجم، شماره ۲: ۱۸۵-۲۰۳.
- رضوانی، مهران و سیدمهدی موسوی نژاد (۱۳۹۳)، کارآفرینی بین‌المللی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- صداقت‌زادگان، شهناز (۱۳۹۲)، جامعه‌شناسی جهان‌سوم، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام‌نور، تهران.
- کریمی، سعید (۱۳۹۴)، «بررسی آثار مستقیم، غیرمستقیم و تعدیلی محیط نهادی بر قصد کارآفرینانه دانشجویان کشاورزی»، نشریه توسعه کارآفرینی، دوره هشتم، شماره ۲: ۳۷۱-۳۹۰.
- متوسلی، محمود، نیکو نسبتي، علی و زهرا فرضی زاده (۱۳۹۰)، اقتصاد نهادی، انتشارات دانشگاه تهران، تهران.
- Acs, Z. J., Szerb, L., & Autio, E. (2016). The global entrepreneurship and development index. In *Global Entrepreneurship and Development Index 2015*. Springer International Publishing, 11-31.
- Acs, Z. J., & Virgill, N. (2010). Entrepreneurship in developing countries. In *Handbook of Entrepreneurship Research*. Springer New York, 485-515.
- Akter, S., D'Ambra, J., & Ray, P. (2011). An evaluation of PLS based complex models: the roles of power analysis, predictive relevance and GoF index.
- Bowen, H. P., & De Clercq, D. (2008). Institutional context and the allocation of entrepreneurial effort. *Journal of International Business Studies*, 39(4), 747-767.
- Commons, J. R. (1924). *Legal foundations of capitalism*. Transaction Publishers.
- Covin, J. G., & Miller, D. (2014). International entrepreneurial orientation: conceptual considerations, research themes, measurement issues, and future research directions. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 38(1), 11-44.
- Duarte, P. A. O., & Raposo, M. L. B. (2010). A PLS model to study brand preference: An application to the mobile phone market. In *Handbook of partial least squares*. Springer Berlin Heidelberg, 449-485.
- El-Namaki, M. S. S. (1988). Encouraging entrepreneurs in developing countries. *Long range planning*, 21(4), 98-106.
- GEM (2015). GEM 2015 Global Report. Recuperado 16/06/2015 de <http://gemconsortium.org/docs>.
- Gumede, V. (2004). Export propensities and intensities of small and medium manufacturing enterprises in South Africa. *Small Business Economics*, 22(5), 379-389.
- Hitt, M. A., Ireland, R. D., Camp, S. M., & Sexton, D. L. (2001). Guest editor's

- introduction to the special issue strategic entrepreneurship. *Strategic Management Journal*, 22(6/7), 479-492.
- International Monetary Fund. 2015. World Economic Outlook: Adjusting to Lower Commodity Prices. Washington (October).
- Keupp, M. M., & Gassmann, O. (2009). The past and the future of international entrepreneurship: a review and suggestions for developing the field. *Journal of Management*, 35(3), 600-633.
- Kiss, A. N., Danis, W. M., & Cavusgil, S. T. (2012). International entrepreneurship research in emerging economies: A critical review and research agenda. *Journal of Business Venturing*, 27(2), 266-290.
- McDougall, P. P. (1989). International versus domestic entrepreneurship: new venture strategic behavior and industry structure. *Journal of Business Venturing*, 4(6), 387-400.
- McDougall-Covin, P., Jones, M. V., & Serapio, M. G. (2014). High-potential concepts, phenomena, and theories for the advancement of international entrepreneurship research. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 38(1), 1-10.
- Misra, S., & Kumar, E. S. (2000). Resourcefulness: A proximal conceptualisation of entrepreneurial behaviour. *Journal of Entrepreneurship*, 9(2), 135-154.
- Nielsen, L. (2013). How to classify countries based on their level of development. *Social Indicators Research*, 114(3), 1087-1107.
- North, D. C. (1990). Institutions, institutional change and economic performance. Cambridge: Cambridge University Press.
- Peiris, I. K., Akoorie, M. E., & Sinha, P. (2012). International entrepreneurship: a critical analysis of studies in the past two decades and future directions for research. *Journal of International Entrepreneurship*, 10(4), 279-324.
- Peng, M. W. (2001). How entrepreneurs create wealth in transition economies. *The Academy of Management Executive*, 15(1), 95-108.
- Peng, M. W. (2003). Institutional transitions and strategic choices. *Academy of management review*, 28(2), 275-296.
- Peng, M. W., Wang, D. Y., & Jiang, Y. (2008). An institution-based view of international business strategy: A focus on emerging economies. *Journal of international business studies*, 39(5), 920-936.
- Scott, W. R. (1995). Institutions and organizations. Foundations for organizational science. London: A Sage Publication Series.
- Stenholm, P., Acs, Z. J., & Wuebker, R. (2013). Exploring country-level institutional arrangements on the rate and type of entrepreneurial activity. *Journal of Business Venturing*, 28(1), 176-193.

- Tenenhaus, M., Amato, S., & Esposito Vinzi, V. (2004, June). A global goodness-of-fit index for PLS structural equation modelling. In *Proceedings of the XLII SIS scientific meeting*, 739-742.
- Terjesen, S., & Hessels, J. (2009). Varieties of export-oriented entrepreneurship in Asia. *Asia Pacific Journal of Management*, 26(3), 537-561.
- Terjesen, S., Hessels, J., & Li, D. (2013). Comparative International Entrepreneurship A Review and Research Agenda. *Journal of Management*, 42(1), 299-344.
- UNCTAD. (2016). UNCTADSTAT. Retrieved from <http://unctadstat.unctad.org/wds/ReportFolders/reportFolders.aspx>
- Veblen, Thorstein B (1904). *The Theory of Business Enterprise*, New York, Charles Scribners.
- Veciana, J. M., & Urbano, D. (2008). The institutional approach to entrepreneurship research. Introduction. *International Entrepreneurship and Management Journal*, 4(4), 365-379.
- Vinzi, V. E., Trinchera, L., & Amato, S. (2010). PLS path modeling: from foundations to recent developments and open issues for model assessment and improvement. In *Handbook of partial least squares*. Springer Berlin Heidelberg, 47-82.
- Volchek, D., Saarenketo, S., & Jantunen, A. (2015). Structural Model of Institutional Environment Influence on International Entrepreneurship in Emerging Economies. In *Institutional Impacts on Firm Internationalization*. Palgrave Macmillan UK, 190-216.
- Yamakawa, Y., Peng, M. W., & Deeds, D. L. (2008). What drives new ventures to internationalize from emerging to developed economies?. *Entrepreneurship theory and practice*, 32(1), 59-82.
- Zahra, S.A. (1993). Aconceptual model of entrepreneurship as firm-level behaviour:Acritique and extension. *Entrepreneurship Theory and Practice*, 17(4), 5-21.
- Zahra, S. A., & George, G. (2002). International entrepreneurship: The current status of the field and future research agenda. *Strategic entrepreneurship: Creating a new mindset*, 255-288.
- Zhang, M., Tansuhaj, P., & McCullough, J. (2009). International entrepreneurial capability: The measurement and a comparison between born global firms and traditional exporters in China. *Journal of International Entrepreneurship*, 7(4), 292-322.